

اهمیت تاریخی رکود اقتصاد جهانی

۴ دسامبر ۲۰۱۲

نیک بیمر

کاهش قابل توجه دورنمای رشد اقتصادی ۳۴ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) آخرین هشدار از سری هشدارهایی است که سازمانهای مهم اقتصادی جهان در باره سقوط اقتصاد جهانی ابراز کرده‌اند.

سازمان OECD فرضیه خود را نسبت به پیش بینی قبلی به مقدار ۰,۸ درصد، از ۲,۲ درصد به ۱,۴ درصد برای سال ۲۰۱۳، تنزل داد. همزمان این سازمان در باره امکان یک "رکود اقتصادی عمیق همراه با گرایش نزول قیمت‌ها و رشد فزاینده بیکاری" هشدار داد.

با تذکر این نکته که "بزرگترین تهدید برای اقتصاد جهانی" همچنان از قلمرو اروپا سرریز می‌شود، این سازمان از وضعیت مالی بعضی از کشورهای ابراز نارسندگی کرد و آن را به عنوان "خطری که می‌تواند منجر به زنجیره‌ای از واکنش‌ها شود که به شکلی جدی به فعالیت در اتحادیه پولی آسیب رساند و منجر به رکود در اقتصاد جهانی شود"، توصیف کرد.

سازمان OECD با تایید سخت جانی دشواری‌های موجود در اقتصاد جهانی متذکر شد که "علائم و نشانه‌های خروج از بحران بیش از پیش میدان را به سود یک کاهش رشد اقتصادی خالی می‌کنند" و "حتی خطر یک انقباض اقتصادی بزرگ محتمل است".

در ادامه تجدید نظر صندوق بین المللی پول در پیش بینی‌های خود مبنی بر کاهش رشد اقتصادی، اهمیت داده‌های جدید OECD در این نکته نهفته است که مربوط به اقتصادهای بزرگ سرمایه داری است، کشورهایی که خود زمانی موتور رشد اقتصاد جهانی بودند.

انقباض پیش‌بینی شده توسط سازمان OECD برای اقتصاد اروپا ۰,۱ درصد در سال ۲۰۱۳ و برای سال جاری ۰,۴ درصد می‌باشد. رشد اقتصادی در آمریکا، که در پیش بینی قبلی ۲,۶ درصد در نظر گرفته شده بود، ۲ درصد خواهد بود، یعنی پایین تر از حد لازم برای افزایش امکان اشتغال.

رشد اقتصادی در ژاپن، که پیش از این ۱,۵ درصد انتظار آن می‌رفت، ۰,۷ درصد پیش بینی شد. با این حال احتمال پایین رفتن این رقم وجود دارد، چرا که اقتصاد ژاپن برای ۶ ماه آخر سال جاری در انتظار یک رشد اقتصادی منفی است.

جدا از ارقامی که مرتبط با وضعیت اقتصاد جهانی در کلیت آن هستند، طیف وسیعی از ارقام تک تک کشورها و محدوده‌های اقتصادی هم همین مسیر را ترسیم می‌کنند.

در هفته‌ی گذشته اعلام شد که بیکاری در قلمرو اروپا، که در یک سال قبل ۱۰,۴ درصد بود، به ۱۱,۷ درصد افزایش یافت. در اسپانیا و یونان، که وضعیتی مشابه رکود بزرگ را تجربه می‌کنند، میزان بیکاری ۲۵ درصد و یا حتی بالاتر است. جدیداً

حتی اقتصادهای قوی تر هم تحت تاثیر این روند هستند. تمایل مصرف کننده به خرید در فرانسه در ماه اکتبر کاهش یافت، هم زمان در همان ماه به شکل غیر قابل انتظار، مبادله بازار در آلمان تنزل یافت.

این ادعا که رشد بالا در کشورهای به اصطلاح نو ظهور، توان به جلو راندن اقتصاد جهانی در کلیت آن را دارا هستند، با آهسته شدن آهنگ رشد در چین، مورد تردید قرار گرفت. این امیدها با جدیدترین ارقام از برزیل و هندوستان هر روز کم رنگ تر می‌شوند.

رشد تولید ناخالص ملی در برزیل در ۳ ماهه سوم سال جاری تنها ۰,۶ درصد بود. این رقم نشان از آن دارد که اقتصاد برزیل در مسیر کمترین رشد در ۱۰ سال اخیر است. به همین ترتیب، نرخ رشد سالانه هندوستان در ۳ ماه سوم از ۵,۵ درصد به ۵,۳ درصد تنزل یافت. در هندوستان هم انتظار می‌رود که در سال جاری رشد در پایین‌ترین حد در ۱۰ سال اخیر خواهد بود.

این ارقام نه تنها نشان آن نیستند که بهبودی اقتصادی "بلا فاصله در راه است"، بلکه بر عکس: اقتصاد جهانی در حال حرکت به سمت رکود است. علاوه بر این، ویژه گی این ارقام در اهمیت عمیق تاریخی آن نهفته است. این ارقام تأکیدی مجدد بر صحت تحلیل‌های تارنمای جهانی سوسیالیست (wsws.org) هستند: بحران مالی که در سال ۲۰۰۸ فوران کرد، یک تنش ادواری نیست، بلکه آغاز در هم شکستن اقتصاد جهانی سرمایه داری است که پی آمدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

این بحران نقط عطفی را رقم می‌زند، چیزی که لئون تروتسکی به عنوان منحنی تکامل سرمایه داری تفسیر کرده است. طبق تحلیل لئون تروتسکی اقتصاد سرمایه داری توسط ۲ روند اساسی مشخص می‌شود: نوسانات معمول ادواری که سرمایه داری از بدو پیدایش تا لحظه افول با آن عجین شده است، و دیگری تغییرات دراز مدت در ساختار اقتصاد جهانی می‌باشد، که تعیین کننده ویژه گی کلیت یک دوره تاریخی هستند.

با بررسی اهمیت در هم شکستن اقتصاد جهانی سرمایه داری در نتیجه‌ی آغاز جنگ جهانی اول، تروتسکی تحلیل خود را در اوایل دهه ۲۰ قرن گذشته تدوین کرد. طبق تحلیل لئون تروتسکی، اگر چه سیکل معمول اقتصادی در جریان بود، سرمایه داری اما فاقد توانایی دست یابی به توازن قبل از جنگ بود.

صحت این تحلیل توسط پیامدهای بعدی به اثبات رسید. بیش از سه دهه، بعد از وقوع جنگ جهانی اول، ویژه گی سرمایه داری بیکاری عمومی، رکود اقتصادی، فقر میلیونی، فاشیسم و تشدید درگیریها میان قدرت‌های امپریالیستی بود، که پیامد آنها جنگی مخرب تر از گذشته یعنی جنگ جهانی دوم بود.

بالاخره دوباره توازن قوای سرمایه داری ایجاد شد، ولی این تنها بر بستر خیانت توسط رهبری استالینیستی و سوسیال دموکراسی به مبارزه‌ی انقلابی طبقه‌ی کارگر، و همانگونه که تروتسکی پیش بینی کرده بود، بر روی خون و استخوان میلیون‌ها انسان ممکن شد.

یک بار دیگر در دوران کنونی و در برابر چشمان ما، روند فرو پاشی نظام سرمایه داری در جریان است، حادثه‌ای که اهمیت آن با وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ همپایی می‌کند. این روند این بار با یک جنگ شروع نشد، بلکه ناقوس آن با درهم شکستن تقریباً کامل سیستم مالی جهانی به صدا در آمد. اگر سرمایه داری به زیر افکنده نشود، نتایج این فروپاشی به مانند فروپاشی ۱۹۱۴ خواهند بود.

فروپاشی ۲۰۰۸ توسط تب فزاینده سوداگری مالی آماده شد که شاهد گویا ظهور انگل ایسم و تبهکاری تمام عیار و آشکار به عنوان شکل اصلی انباشت ثروت بود. اما ترکیدن بادکنک مالی به معنی بازگشت به شرایط "عادی" ماقبل نیست، بلکه بر

عکس سر آغاز دور نوین تاریخی است که به قول تروتسکی، "ویژه گی بارز آن عظیم ترین تکانها در روابط میان طبقات و دولتها می باشد".

سقوط به ورطه گانگستریسم آشکار در مقیاسی که جهان از دوران نازیها در سالهای ۱۹۳۰ تجربه نکرده است - آنگونه که ایالات متحده در تلاش است، به حساب رقبای خود از بحران رهایی یابد- مشخصه ی روابط بین المللی شده است.

چهار سال پس از آغاز فروپاشی، آخرین آمارهای و اطلاعات نشانگر آن است که بورژوازی هیچ گونه سیاست اقتصادی برای غلبه بر بحران تاریخی خود ندارد. طبقه ی حاکم تنها یک جواب می شناسد: پمپ کردن منابع جدید ثروت در شریانهای تصلبی سیستم کسب سود، با از بین بردن تمامی دستاورده اجتماعی طبقه ی کارگر در دوره پس از جنگ و پرتاب طبقه به شرایط سالهای ۱۹۳۰ و حتی بدتر از آن، توسط برنامه های ریاضت اقتصادی که در حال حاضر در سراسر جهان اجرا می شوند.

طبقه کارگر باید با ایجاد و تکامل یک استراتژی مستقل با این ضد انقلاب اجتماعی مقابله کند: برنامه انقلاب جهانی سوسیالیستی برای برافکندن نظام ارتجاعی کسب سود و جایگزینی آن توسط اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیستی.

کمیتة بین المللی انترناسیونال چهارم تنها حزبی در جهان است که برای تحقق این چشم انداز مبارزه می کند.